

کلیات سعدی

مصلح الدین سعدی

به تصحیح نسخه
محمد علی فردوسی



کلمات سعدی

مستزاد الکریم، منتخب بی عبد الله سعدی شیرازی

ترجمہ: علامہ عبد الباقی

ناشر: پرمیس

تدوین: استاد محمد رضا ہاشمی

نگارگری: رضا باسلام

لیکگرافی: تونس

نوبت چاپ: اول ۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰

چاپ: سرمدی

صناعتی: تاجیک

سنگ: ۵-۱۵-۸-۸۷۰-۶۰۰-۹۷۸

.....	۳۹۲
.....	۳۸۷
.....	۷۶۲
.....	۵۰۶
.....	۶۱۲
.....	۹۲۲
.....	۱۵

فهرست

.....	۱۱
.....	۷۵۶
.....	۹۶
.....	۲۷
.....	۸۷۸
.....	۷۷۶
.....	۴۶۶
.....	۷۶۰
.....	۶۷۱
.....	۵۵۱
.....	۶۵۰
.....	۶۵۱
.....	۸۱۱
.....	۶۸۶

بوستان

.....	۱۹۲
.....	۲۲۹
.....	۲۵۰

۲۶۶	باب چهارم - در تواضع
۲۸۸	باب پنجم - در رضا
۲۹۷	باب ششم - در قناعت
۳۰۵	باب هفتم - در عالم تربیت
۳۲۴	باب هشتم - در شکر بر عافیت
۳۳۶	باب نهم - در توبه و راه صواب
۳۵۱	باب دهم - در مناجات و ختم کتاب

غزلیات

۳۵۷	مقدمه ستون
۳۶۰	غزلیات
۸۷۸	قصاید فارسی
۹۷۷	ترجیع بندها و ترکیب بند
۹۹۳	رباعیات
۱۰۲۷	قطعه‌ها و تکبیت‌ها
۱۱۳۴	اشعار عربی
۱۱۵۰	مفردات
۱۱۵۱	رساله‌های منشور
۱۱۵۲	در تقریر دیباچه
۱۱۵۸	رساله نصیحة الملوک
۱۱۸۱	رساله در عقل و عشق
۱۱۸۱	در تربیت یکی از ملوک گوید
۱۱۸۲	مجالس پنجگانه
۱۲۱۱	تقریرات ثلاثه

پیشگفتارهای مصحح بر کلیات



پیشگفتار مصحح بر گلستان

به نام خدای بخشاینده مهربان

ارجمندترین کتاب نظم فارسی شاهنامه فردوسی است و زیباترین کتاب نشر گلستان سعدی. این هر دو کتاب به سبب همین که پسندیده خاص و عام شده در دست و پای مردم آمده و گرفتار دستبرد نویسندگان و خوانندگان گردیده چنان که من چندین سال به اندازه‌ای که توانستم جستجو کردم و سرانجام ناامید شدم از اینکه از این دو کتاب نسخه‌های سالمی که بتوان گفت مطابق آن است که از دست مصنف برآمده است.

گلستان که اینک منظور نظر ماست چنین می‌نماید که از اوایل امر و شاید از روزگار خود شیخ سعدی در استنساخ دیگر تحریف و تصرف شده و دیرگاهی است که ادبا به این معنی برخورد دارند جز اینکه این اثر را به عنوان همواره متوجه بوده به اینکه در استنساخ سهو و غلط رفته است ولیکن شامل دو نسخه‌های فراوان قدیم و جدید معلوم می‌دارد که بسیاری از تحریفها عمدی و غیر عمدی است و نوشته یا نویسانده آن را موافق ذوق و سلیقه خویش تصحیح کرده است چنان که شاید دو نسخه خطی از این کتاب یافت نشود که تماماً با یکدیگر مطابقت داشته باشند. اینجانب از اول عمر می‌دیدم و می‌شنیدم که مغلو ط بودن گلستان مورد تحریف و تصرف اهل فضل و ادب گردیده و تصحیح این کتاب گرانها از اموریست که آرزوی آن را در دل می‌پروراند ولیکن غالباً از این نکته غافل بودند که این کار به حدس و قیاس و به قوت فضل و سواد و ذوق و سلیقه میسر نیست و چاره منحصر آن

است که نسخه‌های قدیمی که نزدیک به زمان شیخ بزرگوار نوشته شده و کمتر گرفتار دستبرد و تصرف نویسندگان گردیده باشد به دست آید و مأخذ قرار داده شود.

نخستین و شاید تنها قدم صحیحی که تاکنون در این راه برداشته شده آن است که استاد گرامی آقای عبدالعظیم قریب گرکانی برداشته‌اند که گلستانی به خط بسیار خوش، که ممکن است به قلم میرعماد معروف باشد، به دست آورده‌اند و بنسبت آن در سال ۱۰۲۱ در پایان کتاب اظهار کرده است که از روی نسخه‌ای که در سال ۶۶۲ به دست مصنف نوشته شده استساخ نموده است و آقای قریب از روی آن نسخه به طبع گلستان اقدام کرده، مقدمه‌ای محققانه در ترجمه حال شیخ سعدی و مقام بلند او در سخن‌سرایی و چگونگی احوال گلستان مشتمل بر تحقیقات بسیار نموده و نیز توضیحاتی در آخر کتاب بر آن افزوده‌اند و شک نیست که این گلستان صحیح‌ترین نسخه‌ای است که تاکنون به چاپ رسیده و با آن مقدمه نفیس و توضیحات شایسته باید مورد استفاده دانش‌طلبان باشد.

ولیکن پس از تأمل در این و تطابق با بعضی نسخه‌های کهنه دیگر چنین به نظر می‌رسد که آن نیز کاملاً مطابق با نسخه اصل گلستان نیست و نویسنده یا خود باز تصرف در عبارات شیخ را روا دانسته یا نسخه‌ای که از آن رونق گرفته بلاواسطه منقول از خط شیخ نبوده و در نسخه‌ها واسطه تصرفات به عمل آمده و بنابراین هنوز به یافتن نسخه صحیح گلستان با انجام داشت.

در مسافرت‌هایی که من به اروپا نمودم به راه‌پایان دولت دیرینه گرامی دانشمند خود آقای محمد قزوینی که مقامات علمی ایشان بر همه فضل معلوم است و محتاج به شرح و بیان نیست آگاه شدم که در کتابخانه ملی پاریس نسخه‌ای از کلیات سعدی موجود است که در سال ۷۶۸ نوشته شده و در آن نسخه صحیح است.

این اکتشاف مشوق من شد که در امر گلستان به تحقیق پردازم. آقای حروینی لطف فروده از آن گلستان برای من عکس برداشتند. در تهران هم دوستان دانش‌پرور در این باب یاری کردند و وزارت معارف نیز مساعدت و همراهی فرمود و چندین نسخه کهنه گلستان به دست آمد که البته نسبت به گلستان‌های

چایی و نسخه‌هایی که در این سیصد چهارصد سال گذشته نوشته شده صحیح‌تر بود اما هیچ یک مقصود را کاملاً حاصل نمی‌نمود.

عاقبت در اصفهان یک نسخه یافت شد که به ذوق خود اینجانب و به تصدیق بسیاری از اهل بصیرت می‌توان آن را صحیح‌ترین نسخه‌ای که تاکنون در نظر آمده دانست. هزارافسوس که یک نقص و یک عیب بزرگ دارد: نقص آن اینکه در چند جا چند صفحه از آن افتاده و به این واسطه قریب یک خمس از تمام گلستان را فاقد است. عیب آن اینکه دارندگان این کتاب هم مانند بسیاری از کاتب، مرض دخل و تصرف داشته و در بسیاری از مواضع کلمات و عبارات را تراشیده و ملحقه خود درست کرده‌اند یا جمله‌هایی بر آن در متن یا حاشیه افزوده و نیز این نسخه از غلط کتابتی هم خالی نیست یعنی اغلاطی دارد که نویسنده سابقاً خطا کرده است.

از این دو سه فقر عیب و نقص که بگذریم این کتاب بهترین نسخه‌های گلستان به نظر می‌رسد و گذشته از اغلاط کتابتی و مواضعی که در آن قلم برده شده است، و تشخیص بعضی از آنها آسانی و بعضی به دشواری ممکن است، شاید بتوان گفت که تقریباً معطیات است با آنچه از قلم شیخ سعدی بیرون آمده است.

پس چنین به نظر رسید که اکنون می‌توان نسخه‌ای از گلستان تهیه کرد که نسبتاً صحیح و به قلم شیخ اجل نزدیک باشد و شاید آقای علی‌اصغر حکمت، وزیر معارف و اوقات و صنایع مستظرفه که برای نشر رتقی‌الم و ادب سری پرشور دارند و از هیچ اقدام و اهتمامی در این راه فروگذار نمی‌کنند، اینجانب در این امر شده اسبابی که برای حصول مقصود لازم بود فراهم دهند، یعنی هر نسخه از گلستان که هر جا نشان داده شد به هر وسیله بورد عین و عکس آن را به دست آورند و به اختیار اینجانب گذاشتند. علاوه بر این آقای حبیب یغمایی از اعضای بافضل وزارت معارف را که دارای ذوق سلیم و طبع شاعران و عشق مفرط به کارهای ادبی می‌باشند به دستگیری اینجانب گماشتند و ایشان استنساخ و عملیات مربوط به چاپ و تصحیح و کلیه زحمات را بر عهده گرفته در امور مادی و معنوی این کار با اینجانب مساعدتی بسزا نمودند و از هیچ نوع

همکاری دریغ نداشتند. از این رو من نظر به عشقی که به کتاب گلستان داشتم و اسبابی که فراهم دیدم به این کار دست بردم و برای اینکه به درستی معلوم شود که در تهیه این نسخه چه روش اختیار شده است توضیحات ذیل را می‌نگارم:

نسخه اصفهان که وصف آن کرده‌اند اصل و متن قرار داده شد و کاملاً از آن تبعیت نمودیم مگر در مواضعی که غلط بودن آن را یقین کردیم و در این مورد تجا از آن را جایز بلکه واجب شمردیم و آنچه از روی نسخه‌های معتبر دیگر فتنیم به جای آن گذاشتیم و این مواضع هم دو قسم بود:

یکی آنکه غلط بودنش بر حسب املا یا عیب و نقص کلمه و عبارت آشکار بود. مانند «مانار» به جای «حاضر» و «عمر» به جای «عمرو» و «مشاورالیه» به جای «مشاوریه» و «جهلت» به جای «جاهت» و «مخالفت» به جای «مخافت» و امثال آن.

دیگر مواضعی که غلط بودن آنها این اندازه آشکار نیست ولیکن بر حسب سیاق عبارت و ذرات املا و وزن شعر، مخصوصاً با اتفاق یا اکثریت نسخه‌های کهنه معتبر دیگر، توانستیم ملاحظه کنیم که در آن نسخه غلط واقع شده است. مانند اینکه به جای «ارکان دولت پندیده» نوشته شده است «ارگان دولت پسندید» و به جای «شکر نعمت بگفتم» و «زمین خدمت ببوسیدم» نوشته شده است «شکر خدمت بگفتم و زمین خدمت ببوسیدم» و به جای «از نیک و بد اندیشه و از کس غم نیست» نوشته شده است «از نیک و بد اندیشه و از کس غم نیست» و از این قبیل.

مع هذا در این قسمت باز از تجاوز از متن تا می‌توانستیم حذر داری کردیم و ذوق و سلیقه خود را حاکم قرار ندادیم مگر در مواردی که به خط آشکار و حتم بود که نسخه اصل غلط است. یا وجود این به احتیاط اینکه مبادا فهم و ذوق ما به خطا رفته باشد و برای اینکه خوانندگان از تمام آن متن کاملاً آگاه باشند ترتیبی که حکومت کنند هر جا که از آن تجاوز کرده‌ایم در حاشیه، نسخه اصل را به دست داده‌ایم و آنجا که در حاشیه حرف «ص» گذاشته شده، علامت آن است که در

نسخه اصل چنان بوده و ما در آن تصرف کرده‌ایم.^۱
 از این موارد گذشته تخلف از نسخه‌ای که آن را اصل قرار داده‌ایم جایز
 نشمرديم. هر چند گاهی نسخه‌های دیگر می‌دیدیم که به نظر بهتر می‌آمد و با آنکه
 بعضی از دوستان از این جهت تأسف می‌خورند بلکه سرزنش می‌کردند از شیوه
 خود دست برنداشتیم زیرا بنای ما بر این نبود که گلستان را مطابق ذوق و سلیقه
 خود ترتیب دهیم و هیچ نسخه دیگر را هم نیافتیم که بیش از نسخه اصفهان لایق
 اعتماد و اتکا باشد تا به تعبد از آن متابعت کنیم فقط برای اینکه خاطر خوانندگان
 از اختلاف نسخه‌ها مستحضر باشد و بتوانند حکومت کنند هر جا نسخه‌ای به نظر
 ما بر نسخه اصل مرجح یا لااقل با آن مساوی بود - خاصه مواردی که اکثر
 نسخه‌های معتبر بر آن منوال دیده می‌شد - در حاشیه نسخه بدل قرار دادیم و از
 توسعه نسخه بدلهایم پرهیز کردیم زیرا اختلاف نسخه به اندازه‌ای فراوان است که
 تعرض همه زیبایی‌هایش از آنجا، و فرع زاید بر اصل می‌نمود.

و اما در قسمتهایی که نسخه اصفهان ناقص بود به نسخه‌های کهنه دیگر
 مراجعه کردیم و چون هیچ یک از آن که اشاره شد قابل اعتماد تام نیافتیم در
 موارد اختلاف به متابعت از آن نسخه‌ها اکتفا نکردیم و ذوق و سلیقه خود را
 کمتر حاکم ساختیم.

حاصل اینکه کتابی را که به نظر خرائندگان می‌شد نسخه صحیح گلستان
 چنان که از قلم شیخ سعدی به در آمده است معرفی نمی‌کنیم و اصلاً نمی‌دانیم به
 چنین آرزویی می‌توان رسید یا نه ولیکن تصور می‌کنیم که به آن آرزو نزدیک
 شده‌ایم و شاید بتوان گفت آنچه از قلم شیخ در آمده از این متن با نسخه بدلهایی که
 متعرض شده‌ایم بیرون نیست. مع هذا همواره باید امیدوار بود که نسخه‌های بهتر و
 صحیح‌تر به دست آید و هر کس ما را به چنین چیزی رهبری کند که از این پس
 بتوانیم این نسخه را بهبودی دهیم و تکمیل کنیم مایه امتنان. و به ادبیان خارجی
 خدمتی بسزا خواهد بود. چنان که نسبت به همین متن و نسخه بدلهایی که از دست
 کرده‌ایم هر کس نظر انتقادی بکند اگرچه با تازیانه سرزنش همراه باشد با کمال

۱. برای سهولت در خواندن، حاشیه‌ها حذف شده است.

امتنان نگریسته و با نهایت بی طرفی مورد استفاده قرار خواهیم داد و خوانندگان محترم را متوجه می سازیم که از اقدام به طبع این گلستان ما نه استفاده مادی در نظر داشتیم نه کسب شهرت و اعتبار، و فقط از راه تعشق به گلستان و به آرزوی رسیدن به نسخه صحیح تری از آن، تحمل این زحمت را بر خود هموار کردیم و بیش از خود شیخ سعدی در تصنیف کتاب، از عمر گرانیزه بر آن خرج نمودیم و امیدواریم کسانی که گلستان را قابل تعشق می دانند و میسرشان می شود شخصاً یا به باری خود ما از اصلاح و تکمیل این نسخه برای چاپهای آینده دریغ نمایند. در صورت ظاهر این کتاب هم تصرفی کرده ایم و آن این است که بر حسب معیار اساره بیت و مصرع و قطعه و امثال آن نکرده ایم زیرا اولاً یقین نیست که خود شیخ سعدی این کار را کرده و احتمال قوی می رود که این اشارات را بعدها استنسخ کنند. آن را کرده باشند و فرضاً که چنین نباشد این اشارات زمانی واجب بوده که شاعر و ناشر را به یکسره می نوشتند و مطالب را از هم جدا نمی ساختند. دیگر اینکه در بیاض و اوین مانند: «سبب تألیفات کتاب» و «عذر تقصیر خدمت» و «ذکر امیرکبیر» احوال آن را، و در باب هشتم عناوین «حکمت» و «پند» و «نصیحت» و مانند آن را حذف کردیم زیرا از تأمل و مطابقه نسخه ها بر ما یقین شد که این عناوین را شیخ سعدی نوشته و اگر هم چیزی نوشته غیر از این بوده است چنان که درباره اتابک ابوبکر و پس او که هنگام تصنیف کتاب زنده بوده اند و سعدی گلستان را به نام ایشان مسموع ساخته است «رحمة الله علیه» و مانند آن نوشته اند و در نسخه بسیار کهنه ای که متأسفانه به یک ورق بیشتر از آن باقی نمانده بود در جایی که معمولاً «سبب تألیف کتاب» عنوان کرده اند چنین عنوان دیده شد: «پند از پشیمانی خوردن از دنیا» و در هر حال در این عنوانها اهمیت و فایده ندارد و یقیناً از قلم شیخ نیست حذف آنها را سزاوارتر دانستیم.

✱

اینک چند کلمه هم از نسخه هایی مهم که در دست داشته ایم و دور می که در این باب مساعدت کرده اند می نگاریم:

نسخه اصفهان که متن این گلستان قرار داده شده متعلق بود به آقای ابوالحسن بزرگزار و ایشان بی مضایقه نسخه نفیس خود را مدتی مدید به ما تفویض کردند و

توفیق یافتن ما در تنظیم این کتاب به مساعدت ایشان آسان گردید.
 پس از نسخه آقای بزرگزاد نسخه‌ای که از همه صحیح تر به نظر می‌آمد متعلق
 بود به آقای مجدالدین نصیری که به قاعده در مائه هشتم نوشته شده باشد. ولیکن
 متأسفانه آن نسخه نیز مانند نسخه اصفهان هم ناقص بود هم دستخوش تصرف و
 تحریف شده و بسیاری از کلمات و عبارات آن را تراشیده و عوض کرده‌اند.
 پس از آن بهترین نسخه آن بود که از روی نسخه کتابخانه ملی پاریس عکس
 برداشته شده و پیش از این مذکور داشتیم.

آقای صادق انصاری عضو وزارت معارف هم یک نسخه کلیات خطی به
 اختیار ما گذاشتند که در ۷۹۴ نوشته شده و با اینکه ناقص و مغلوط بود از آن
 استفاده کردیم.

نسخه‌ای که در سال ۱۳۰۰ در خانه سلطنتی به خط بسیار خوش و تذهیب عالی و جلد
 گرانبها موجود است و رقم یافته است مستعصمی دارد نیز مورد استفاده گردیده است
 و در چگونگی این نسخه حقیقات هست که چون مفصل می‌شود به موقع
 مناسب‌تری محول می‌نماییم.

آقای اسماعیل امیرخیز که در عاقلان گاستاناند و در مراجعه به نسخه
 قدیم اهتمام بسیار ورزیده‌اند، راهنمایی کرده و یک نسخه گلستان که بالنسبه
 کهنه و صحیح بود نیز به اختیار ما گذاشتند.

در ضمن اینکه مشغول تهیه این نسخه بودیم خواه حاصل شد که دو نسخه
 از گلستان در لندن موجود است بسیار کهنه و ممکن است استفاده باشد. برای
 اینکه عمل خود را تکمیل کرده باشیم دستور عکس‌اندازی از آن نسخه هم
 داده شد و مقارن اتمام کتاب آن عکسها رسید.

یکی از آن دو نسخه در سال ۷۲۰ نوشته شده و متعلق به لرد گرین
 انگلیسی بوده و جزو متروکات او می‌باشد. نسخه دیگر در سال ۷۲۸ نوشته شده
 و متعلق به کتابخانه اداره هند است.

مشاهده این هر دو نسخه عقیده‌ای را که در صدر این مقدمه اظهار داشته‌ایم
 که گلستان از اوایل امر دستخوش تصرفات گردیده، تأیید کرد زیرا هرچند اولی
 کمتر از سی سال و دومی کمتر از چهل سال پس از وفات شیخ سعدی نوشته شده

آن هر دو گذشته از غلطها و سهوهای کتابتی با آنکه فقط هشت سال از یکدیگر فاصله دارند با هم و با نسخه‌های کهنه دیگر اختلافاتی دارند که جز تحریف و تصرف عمدی محمل دیگر بر نمی‌دارد.

در هر حال نسخه لرد گرینوی از نسخ گلستان که تاریخ کتابتش معلوم است کهنه‌ترین نسخه‌ای است که تاکنون به نظر اینجانب رسیده و هر چند نه خالی از غلط کتابتی است و نه اطمینان می‌توان داشت که از تحریف و تصرف عمدی بری بوده باشد، از جهت نزدیک بودن به قلم شیخ سعدی تقریباً در عرض نسخه آقای بزرگزاد است و بنابراین از اختلافاتی که با این نسخه دارد آنچه را قابل توجیه دانستیم عرض شدیم.

نسخه کتابخانه هند با آنکه یکی از قدیمترین نسخه‌هاست، این حیثیت را ندارد و از آن متر استفاده کردیم و چون این هر دو نسخه موقعی به دست ما آمد که چاپ کتاب جدید تمام بود، نسخه بدل‌هایی را که از این دو کتاب اختیار کردیم جداگانه در آثار نیمه نمودیم تا مورد استفاده عموم گردد و اگر این کتاب به تجدید طبع رسید اختلافات را هم در پاورقی به نسخه بدل‌های دیگر ملحق خواهیم ساخت.

از نسخه بدل‌هایی که اختیار کرده‌ام هر کدام در نسخه‌های متعدد یافت شده ذکر مآخذ آنها را لازم ندانستیم و در آنچه اختصاص به نسخه کتابخانه سلطنتی داشت علامت «س» گذاشتیم و در آنها که نسخه پارس در آن منفرد بود علامت «پا» گذاشتیم و در نسخه‌های دیگر وجوهی که اختصاص و قابل تعرض باشد نیافتیم.

چون منظور ما از تنظیم این نسخه فقط نزدیک شدن به حقیقت کتبستان بود و به صورت چندان توجه نداشتیم در رسم الخط اهتمامی نوریدیم و هر چه امروز معمول است به کار بردیم و البته اهل فضل می‌دانند که در کتابهای رسم در «پ» و «ج» و «ه» و «ب» و «ک» و «چ» و «کی» و «چی» می‌نوشتند و بعضی شیوه‌های دیگر از این قبیل در تحریر داشتند که به شرح آنها حاجت نیست. چیزی که قابل ذکر می‌دانیم این است که در نسخه اصفهان «توانگر» همه جا «تونگر» نوشته شده

چنان که نمی توان ساقط بودن الف را بر غفلت و غلط کتابتی حمل نمود.
دیگر اینکه کاتب در کلماتی مانند «هوی» و «مجرى» مقید به رسم الخط
عربی نشده و «هوا» و «مجرا» نوشته است چون کتاب فارسی است این روش را
بی ضرر دانسته پیروی کردیم و چون این نسخه متن کتاب ما قرار داده شده یک
صفحه از آن را عکس انداخته عیناً به این مقدمه ملحق ساختیم و تکمیل آگاهی
امی گویم که آن نسخه به صورت بیاض است.

و توضیح مشکلات و ایراد تحقیقات و تنظیم فهرستها و مانند آن نیز دست
کردیم چه منظور ما تنظیم متن گلستان بود و پس، و آن کارها را که البته مفید و
لازم است بدانیم آن را از ما کرده و خواهند کرد. فقط از آقای یغمایی خواهش
کردیم تحمل زحمت نموده فهرستی از اسامی اعلام که در گلستان مذکور است
ترتیب دادند و آنرا به آخر کتاب ملحق ساختیم.

در خاتمه برای آقای حویلی نگاریم که سیاستگزاری ما در انجام این امر که
شاید خدمتی به ادبیات ایران باشد اول به جناب آقای وزیر معارف است که در
واقع مؤسس شدند و اسباب فراهم کردند سپس به بزرگوارانی که اسم بردیم و به
تسلیم نسخه های خود ما را در این تاریخی نمودند.

محمد علی فروغی

اول اذیبهشت ماه جلالی ۱۳۵۶

شماره ۱۳۱۶ شمسی